

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و دوم، شماره هشتاد و هفتم

پاییز ۱۴۰۰

آسیب‌شناسی تشکیل خانواده حدیثی در مطالعات تاریخی

با تأکید بر اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۹/۲۵

حسین مرادی نسب^۱

یکی از راه‌های شناخت قطعیت و یا چگونگی صدور روایات، تشکیل خانواده حدیثی پیرامون آن و سنجش روایت در پرتو آن است. این روش که بیشتر در علم حدیث از آن بهره برده می‌شود، می‌تواند در نفی و اثبات وجود یک گزارش تاریخی، برای مورخان و سیره‌نگاران هم کاربرد داشته باشد. به نظر می‌رسد، پذیرش اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام در منابع اسلامی، ریشه در همین امر، یعنی تشکیل خانواده حدیثی داشته است. نوشتار پیش رو، با آسیب‌شناسی این شیوه و با استناد به متون کهن و روش وصفی و تحلیلی، در پی پاسخ به چرایی پذیرش اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام از سوی برخی اندیشمندان اسلامی، به‌ویژه امامیه است. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که تشکیل خانواده حدیثی، ناتوان از تشخیص گزارش‌های جعلی هدفمند است و این آسیب، در اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام به چشم می‌خورد؛ به این معنا که جاعلان، با اخبار

۱. استادیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: (hmoradi@rihu.ac.ir).

متنوع و متعدد پیرامون طلاق‌های امام حسن علیه السلام، این گزارش غیرقابل اعتماد را صحیح و موجه جلوه داده‌اند.

کلیدواژگان: امام حسن علیه السلام، خانواده حدیثی، پیوند تاریخ و حدیث، روش نقد گزاره‌های تاریخی، جعل حدیث.

۱. مقدمه

یکی از روش‌های فهم و شناخت حدیث، افزون بر نقد سند و متن، توجه به خانواده حدیثی است؛ یعنی جمع‌آوری روایات در یک موضوع؛ چنان‌که بسیاری از منابع حدیثی، تاریخی، سیره و غیره، با توجه به این مسئله، احادیث را در موضوعات واحد دسته‌بندی کردند. اندیشمندان با تشکیل خانواده حدیثی، عرضه و مقابله متون، به ارزیابی روایات می‌پردازند که در علم حدیث، فوایدی برای آن ذکر کرده‌اند. شناخت جامع به حدیث و اثبات و نفی اصل یک موضوع، از فواید توجه به خانواده حدیث است.^۱

اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام، مورد توجه برخی از محدثان و عده‌ای از سیره‌نگاران امامیه و اهل سنت قرار گرفته است که در منابع حدیثی، تاریخی و غیر آن، از هر دو فرقه، وارد شده است.^۲ بنابراین، اخباری که امام حسن علیه السلام بسیار ازدواج می‌کرد و بسیار طلاق می‌داد و به سبب این امر، مورد مذمت امیرمؤمنان علیه السلام و طعن دشمنان قرار گرفت. برخی از اندیشمندان امامیه و بیشتر عالمان اهل سنت، با توجه به کثرت و تنوع

۱. رک: مسعودی، درسنامه فهم الحدیث، ص ۱۳۴ و ۱۳۹. خانواده حدیثی، یک اصطلاح نوساخته است که از بررسی فقه الحدیث و درایة الحدیث اخذ شده است.

۲. از جمله آنها: المحاسن برقی، الکافی کلینی، طبقات الکبری ابن سعد، انساب الاشراف بلاذری، البدء والتاریخ مقدسی، دعائم الاسلام قاضی نعمان، قوت القلوب مکی، مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب، البدایة والنهاية ابن کثیر، الوافی فیض کاشانی، وسائل الشیعة حر عاملی.

احادیث و اخبار مطلق، این امر را مسلم پنداشتند و به توجیه آن پرداخته، آن را از مناقب حضرت برشمرند.

فقها برای به دست آوردن احکام شرعی، با وجود خانواده حدیثی در یک باب، از بررسی صدور و دلالتی حدیث غافل نیستند؛ اما در برخی موارد، به خصوص در میان مورخان و محدثان، به آن کمتر توجه شده است. گاهی به صرف وجود خانواده حدیثی در یک موضوع و بدون توجه به معیارهای ارزیابی حدیثی، به ذکر آن پرداخته و آن را مسلم پنداشته‌اند. به همین جهت، اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام در کتاب‌های حدیثی - فقهی در باب مشورت وارد شده^۱ و بر اساس آن، مبنای فقهی قرار گرفته است؛ در حالی که سند خبر ضعیف و متن حدیث، از اضطراب برخوردار است.

در این تحقیق، علاوه بر توجه به آسیب‌شناسی رجوع به تشکیل خانواده حدیث و راهکارهای مقابله با آن، به چرایی پذیرش اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام از سوی برخی از اندیشمندان مسلمان نیز تأکید شده است. با توجه به آثار متعددی که در نقد اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام وارد شده است، جعلی بودن این اخبار، پیش فرض گرفته شده است^۲ و فرضیه این نوشتار، آن است که برخی محدثان و سیره‌نگاران، با غفلت از

۱. فیض کاشانی، الوافی، ج ۲۳، ص ۹۹۹؛ حر عاملی، هدایة الأمة، ج ۷، ص ۳۶۶؛ همو، وسائل الشیعة، ج ۲۲، ص ۱۲۰۹.

۲. ر.ک: در پیشینه، چند مقاله که جعلی بودن روایات مطلق بودن امام حسن علیه السلام را اثبات کرده‌اند، ذکر شده است؛ از جمله مقالات دیگر: واردی، «پاسخ به شبهه مطلق بودن امام حسن علیه السلام»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی سبط النبوی امام حسن مجتبی علیه السلام، ج ۳؛ محمدناصر غداری، «ظلمات الامام الحسن علیه السلام (مزواج مطلق دراسة تحليلية)»، تربیت الاساسية لعلوم التربوية والانسانية، ش ۴۱؛ علامه سید جعفر مرتضی عاملی، زوجات الامام الحسن علیه السلام: اکاذیب وحقائق، ص ۹۲-۱۰۲؛ بلدای، القول الحسن فی عدد زوجات الامام الحسن علیه السلام، ص ۶۰-۲۵۸، چند روایت مطلق بودن امام را از منابع اهل سنت و شیعه آورده و به نقد آنها پرداخته و جعلی بودن آنها را اثبات کرده است.

آسیب‌های تشکیل خانواده حدیثی، اصل مطلق بودن امام را پذیرفته‌اند. تشکیل خانواده حدیثی، از راه‌های رایج و مهم در فهم اخبار و احادیث است. بنابراین، غفلت از آسیب‌شناسی آن، گاهی به پذیرش اخبار جعلی هدمند در مطالعات تاریخی کشیده می‌شود. برخی از دلایل بر جعلی بودن این اخبار، عبارت‌اند از:

۱. نخستین‌بار منصور خلفیه عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸) برای مبارزه با بنی‌الحسن آن را طرح کرده^۱ که بیش از هشتاد سال از شهادت امام حسن علیه السلام گذشته بود و پیش از حاکمیت منصور، چنین موضوعی طرح نشده است؛ حتی در زمان امویان؛
۲. گفته شده که این ازدواج‌ها و طلاق‌ها، در زمان پدرش در کوفه انجام شده است^۲ که با توجه به گرفتاری‌های پدرش در کوفه و پس از خلافت رسیدن ایشان و درگیری با معاویه، امکان تحقق ازدواج‌های و طلاق‌های زیاد وجود نداشته است؛
۳. عدم سازگاری آمارهای ارائه‌شده زیاد در باره همسران امام با ذکر نام چند نفر از آنان در منابع فریقین؛
۴. انتساب این‌گونه عمل تکراری (ازدواج‌ها و طلاق‌ها)، با شخصیت و سیره آن حضرت در تضاد است؛
۵. احادیث بسیاری، طلاق را امری مذموم و ناپسند شمرده‌اند؛ جز در مواردی که امکان سازش وجود ندارد. امام که شخصیت بارزی از خاندان اهل‌بیت است و برای جامعه الگوست، از انجام امور قبیح و مکروه مانند طلاق دادن همسران خود پرهیز دارد؛ زیرا این امور، با جایگاه و منزلت امام نمی‌سازد؛
۶. عدم اشاره و طعن معاویه در نامه‌نگاری‌های یا سخنرانی‌های خود به امیر مؤمنان علیه السلام و امام حسن علیه السلام در خصوص این موضوع؛

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۳۳۴؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۰۰.

۲. دیاربکری، تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۲۹۰: «روی المدائنی انه احصن فی زمان ایبه تسعین

۷. عدم اشاره خوارج به این موضوع در خلافت امام علی علیه السلام؛ حتی در زمان امام حسن علیه السلام؛
۸. ناشناخته ماندن نام مرد کوفی همدانی؛ حتی نزد مردم کوفه که به امام گفت: به او زن می‌دهم؛ خواست نگه دارد یا او را رها کند؛^۱
۹. عدم سازگاری بخشندگی و حلم امام حسن علیه السلام که زبانزد عام و خاص است^۲ با «مَلِیْق، طَلِیْق، غَلِیْق»؛ یعنی بداخلاق، طلاق‌دهنده و زیاده‌رو در اسراف مال.^۳
- بررسی سیره امام حسن علیه السلام و دفع شبهات مطرح‌شده پیرامون ایشان، علاوه بر اینکه بخشی از حافظه تاریخی و اعتقادی امامیه می‌باشد، به عنوان الگویی نیکو و معیاری برای جامعه به حساب می‌آید.
- در خصوص حدیث مطلق بودن امام حسن علیه السلام، مقالاتی نگاشته شده است؛ مانند: مقاله‌ای با عنوان «تطورشناسی حدیث مطلق بودن امام حسن علیه السلام در منابع شیعه و نقد آن» از نگارنده، مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی روایات مطلق درباره امام حسن علیه السلام» از سید محمد مرتضوی^۴ و مقاله‌ای دیگر با عنوان «واکاوی و بازپژوهی نقادانه روایات جعلی
-
۱. رک: مرادی‌نسب، *تطورشناسی اخبار مطلق بودن امام حسن مجتبی علیه السلام در منابع اسلامی*، ص ۶۷.
۲. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۲۲۶؛ ابن عساکر، *ترجمة الامام الحسن علیه السلام*، ص ۱۴۳؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۳، ص ۱۸۳.
۳. ابن سعد، *الطبقات الکبری*، الطبقة الخامسة، ج ۱، ص ۲۹۰؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۳، ص ۱۶.
۴. بر مقاله ایشان نیز نقدهایی وارد است؛ به عنوان نمونه، به نقل از ابن کثیر (م ۷۷۴ق)، تعداد همسران حضرت را ۷۰۰ یا ۱۰۰۰ زن آورده است؛ در حالی که این تعداد، در شرح حال مغیره بن شعبه آمده است؛ نه امام حسن علیه السلام (ابن کثیر، *البدایة والنهائة*، ج ۸، ص ۵۴).

مطالاقیت امام حسن علیه السلام « از رسول محمد جعفری و علینقی لزگی.^۱ آثار متعددی نیز به بررسی سندی و دلالتی اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام توجه داشته و آن را مورد نقد قرار داده‌اند؛ اما امتیاز این مقاله، در نگاه نو به اخبار مطلق در باره امام است. این نوشتار، با توجه به آسیب‌شناسی تشکیل خانواده حدیثی در مطالعات تاریخی می‌باشد که دیگران به آن توجه نکرده‌اند. از این پس، به جای عبارت «مطلق بودن امام حسن علیه السلام» در برخی از جاها، عبارت مختصر «مطلق» استفاده می‌شود.

مفهوم‌شناسی

۱. خانواده حدیث

یکی از روش‌های فهم حدیث، تشکیل خانواده حدیث است. محدثان برای فهم کامل روایات اهل‌بیت علیهم السلام، با جمع‌آوری احادیث مشابه و هم‌مضمون پیرامون موضوعی واحد، با توجه به نسبت این روایات با یکدیگر، به فهمی دقیق و جامع می‌رسند. برای تشکیل خانواده حدیث، فواید بسیاری شمرده‌اند.^۲ در فرآیند فهم حدیث، شناسایی و بازیابی خانواده حدیث، امری لازم است؛ چون چیزی که سبب وصول به مقصود اصلی گوینده می‌گردد و

۱. نقدهایی بر این نوشتار وارد است؛ از جمله آنکه خیر مورد استناد به روایت را به درستی ترجمه نکرده‌اند و گفته‌اند که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حسن، پیاپی زن می‌ستاند و طلاق می‌داد و گمان بردم در میان قبیله‌ها دشمنی وجود می‌آید.» آورده‌اند: «حسن به این وسیله می‌خواهد دشمنی‌ها را بزیاید» (محمد جعفری و لزگی، «واکسوی و بازپژوهی نقادانه روایات جعلی مطالاقیت امام حسن علیه السلام»، ص ۲۰۷). این گونه موارد، استناد به خبر ناقص است و عبارت «یورثنا» در خبر افتاده که در روایت دیگر، ذکر شده است. مؤلفان گویند که امام با این ازدواج‌ها می‌خواست کینه‌ها را برطرف کند؛ درحالی‌که این، خلاف مقصود روایت است (ر.ک: مرادی‌نسب، «تطورشناسی اخبار مطلق بودن امام حسن مجتبی علیه السلام در منابع اسلامی»، ص ۱۶).

۲. مسعودی، روش فهم حدیث، ج ۱، ص ۱۶۲.

سیر حرکت از فهم متن تا فهم مقصود را سامان می‌بخشد، دستیابی به قرینه‌های لفظی و مقامی است.

تاریخ‌پژوهان می‌توانند یا برای آنان امکان دارد که مانند محدثان در فرآیند فهم اخبار و رسیدن به واقعیت‌های تاریخی، به تشکیل خانواده اخبار اقدام می‌کنند. آنان با این شیوه، علاوه بر صحت‌سنجی گزارش‌های تاریخی و نگاهی جامع به رویداد تاریخی، به اثبات و عدم اثبات اصل یک رویداد پی می‌برند. توضیح آنکه مورخ هنگامی که با اخبار متعدد و متنوع مواجه می‌شود، با تشکیل خانواده خبر به این نتیجه دست می‌یابد که اصل موضوع واقع شده یا نه و تنوع و اختلاف اخبار، معلول اختلاف در زاویه دید مورخان است که هریک از جنبه‌ای خاص، موضوع را نقل کرده‌اند.^۱

۲. آسیب‌شناسی

آسیب در لغت، به معنای «زخم، عیب و نقص، رنج و... است.»^۲ در اصطلاح، به معنای عام، شامل شناخت کاستی‌ها، آفت‌ها - از جنبه‌های مختلف چون: علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظایر آن - و یافتن ریشه و عوامل آن است. با توجه به معنای عام، آسیب‌شناسی تشکیل خانواده حدیث در مطالعات تاریخی، عبارت است از شناخت کاستی‌های و عوامل آن در روش مطالعات تاریخی.

چنان که گذشت، تاریخ‌پژوهان می‌توانند با به‌کارگیری تشکیل خانواده خبر، به بررسی گزاره‌های تاریخی پرداخته، آنان را ارزیابی کنند.

۱. برای فهم بهتر می‌توان به اخبار پیرامون حضرت رقیه و شهادت ایشان تمسک کرد. وجود اخبار متعدد و متنوع، منجر به قدر متیقنی می‌شود که مورخ می‌پذیرد اصل وجود دختری با این اوصاف در حادثه کربلا محرز است؛ اما آیا او همان دختر امام بوده یا خیر یا اینکه نحوه شهادت ایشان به چه نحوی می‌باشد، مورد اختلاف است.

۲. دهخدا، لغت‌نامه، واژه «آسیب».

تشکیل خانواده حدیثی اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام

می‌توان گفت که برخی تاریخ‌نگاران با بررسی اخبار مطلق و توجه به تعداد و تنوع این اخبار که به تشکیل خانواده خبر در این موضوع منجر شده است، به مطلق بودن امام اشاره کرده‌اند.^۱

۱. دسته‌بندی اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام

با توجه به تعداد اخبار مطلق بودن امام علیه السلام، اخبار مهم و عمده آن در اینجا آورده می‌شود؛ هرچند برخی از این اخبار می‌توانند در دسته‌ایی که واقع شده‌اند، در دسته دیگر نیز بیاید؛ اما برای پرهیز از تکرار، از آوردن در دسته دیگر خوداری می‌شود:

۱-۱. اخبار دال بر مطلق بودن ایشان

- وی طلاق‌دهنده زنان بود.^۲ ایشان هر روز ازدواج می‌کرد و فردای آن روز طلاق می‌داد؛^۳ یعنی با زنان بسیاری ازدواج می‌نمود و سپس طلاق می‌داد.^۴
- فرستادن مال برای زن، نشانه طلاق او بود.^۵

۱. ر.ک: در پیشینه مقاله، به مقالاتی که به بررسی سند و متن اخبار مطلق بودن امام علیه السلام پرداخته‌اند، اشاره شده است؛ هرچند به برخی از نقدهای آن، نقد شده است. در ضمن، در ادامه مقاله، به چند مقاله و برخی از کتاب‌های دیگر در موضوع امام حسن علیه السلام که در اثبات جعلی بودن اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام پرداخته‌اند، استناد شده است.

۲. ابن سعد، الطبقات الكبرى، الطبقة الخامسة، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۳۳۴؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۰۰.

۴. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۲.

۵. ابن سعد، الطبقات الكبرى، الطبقة الخامسة، ج ۱، ص ۲۹۰؛ بلاذری، انساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۰ و ۲۱: «... فإذا قام أرسل إليها بمالها الذي سمّاه و بالطلاق... فیرسل إليها بطلاقها...»

- حضرت علی علیه السلام فرمود: «انه رجل مطلق»^۱
 - امام حسن علیه السلام همسرش حفصه را طلاق داد؛ چون دید که منذر بن زبیر، عاشق همسر سابقش است.^۲
 - وی زنی خارجی از قبیله بنی‌همام بن شیبان داشت. از او دوری کرد؛^۳ یعنی طلاقش داد.
 - وی همسری به نام عائشه بنت خلیفه خثعمی داشت. امام، زن را به سبب تبریک گفتن به خلافت پس از شهادت پدرش، او را سه طلاقه کرد.^۴
 - هند، دختر سهیل، پس از طلاق از عبدالرحمن بن عتاب، با عبدالله بن عامر ازدواج کرد. معاویه از ابوهریره خواست که او را برای یزید خواستگاری کند. ابوهریره با امام برخورد کرد و ماجرا را بیان نمود. حسن علیه السلام نیز همین درخواست را کرد. هند، حسن را برای همسری برگزید. امام به عبدالله بن عامر در مدینه گفت: من بهترین محلل میان شما دو نفر هستم.^۵
- ۱-۲. اخبار دال بر ازدواج‌های متعدد ایشان
- وی با زنان زیادی ازدواج کرد.^۶

۱. ابن سعد، همان، ص ۳۰۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۷، ص ۲۶۱ و ۲۶۲؛ آل عصفور، سداد العباد، ص ۴۴۶: «... فإنه رجل مطلق...»

۲. ابن سعد، همان، ص ۳۰۵-۳۰۷؛ بلاذری، انساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۲ و ۲۳. طبرانی این خبر را در مورد خوله دختر منظر بن سیار فزاری آورده است (طبرانی، اخبار الحسن بن علی، ص ۴۲).

۳. ابن سعد، همان، ص ۳۰۲.

۴. طبرانی، اخبار الحسن بن علی، ص ۱۵۴.

۵. ابن سعد، همان، ص ۳۰۳-۳۰۵.

۶. ابن سعد، همان، ص ۳۳۵؛ قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۲.

- همواره وی چهار زن داشت.^۱
 - ارائه شمارش ناقص همسران امام حسن علیه السلام تا ۵۶ تن از سوی زید و امام باقر علیه السلام به علت خستگی.^۲
 - ارائه آمارهایی در خصوص تعداد همسران امام.^۳
 - ۱-۳. اخبار نهی از ازدواج با ایشان به جهت مطلق بودن
 - علی به کوفیان فرمود: دخترانتان را به ازدواج حسن علیه السلام در نیاورید که مردی مطلق است.^۴
 - حسن بن علی، زیاد نکاح و طلاق در کوفه داشت تا اینکه علی علیه السلام فرمود: همانا این فرزندانم، طلاق دهنده است؛ دخترانتان را به ازدواج او در نیاورید.^۵
 - مردی نزد علی علیه السلام برای مشورت آمد و گفت: حسن، حسین و عبدالله بن جعفر برای خواستگاری دخترم آمده‌اند. حضرت فرمود: حسن، زنان را طلاق می‌دهد.^۶
-
۱. ابن سعد، همان، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.
 ۲. قاضی نعمان، همان، ص ۱۹۲.
 ۳. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۳۰۸؛ بلاذری، *انساب الأشراف*، ج ۳، ص ۲۵؛ مکی، *قوت القلوب*، ج ۲، ص ۴۱۲.
 ۴. ابن سعد، همان، ص ۳۰۲؛ کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۵۶؛ ابن ابی شیبیه، *المصنف*، ج ۴، ص ۱۷۲؛ مکی، *قوت القلوب*، ج ۲، ص ۴۱۲.
 ۵. سرخسی، *المبسوط*، ج ۶، ص ۴.
 ۶. برقی، *المحاسن*، ج ۲، ص ۶۰۱؛ ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*، ج ۲۷، ص ۲۶۱ و ۲۶۲؛ آل عصفور، *سداد العباد*، ص ۴۴۶: «أما الحسن، فإنه مطلق للنساء... اما الحسن فإنه رجل مطلق وليس تحظین عنده.»

• علی علیه السلام فرمود: از ازدواج‌ها و طلاق‌های حسن می‌ترسم که قبایل، کنیه ما را به دل گیرند.^۱

۱-۴. اخبار دال بر رضایت به ازدواج با ایشان، با علم به مطلق بودن ایشان

• مرد همدانی در پاسخ علی علیه السلام گفت که سوگند به خداوند، ما دخترانمان را به تزویج او درمی‌آوریم. اگر خواست، نگه دارد و اگر نخواست، طلاق دهد.^۲ در خبر دیگر افزوده شده که علی علیه السلام از این سخن مرد همدانی خوشحال شد و شعری سرود که اگر من دربان بهشت بودم، هر آینه به همدان می‌گفتم: به آرامش داخل شوید.^۳

• علی علیه السلام در منبر فرمود که فرزندانم مطلق است؛ [به او] زن ندهید. آنان دو بار تکرار کردند و گفتند که ما دخترانمان را به ازدواج او درمی‌آوریم و بر آن تأکید نمودند.^۴

• شخصی گفت که می‌دانم حسن، فردی بد اخلاق، طلاق‌دهنده و زیاده‌رو در انفاق است، اما از آن جهت که خاندان و نسب شما، گرمی‌ترین افراد نزد مردم است، دخترم را به ازدواج تو (امام) درمی‌آورم.^۵ در گزارش دیگر آمده است: تو بهترین افراد از عرب هستی و خاندانت جایگاه والایی [نزد مردم] دارند؛ دخترم را به ازدواج شما درمی‌آورم.^۶

• زنانی که از او جدا می‌شدند، او را دوست داشتند.^۷

۱. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۵؛ ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۴، ص ۱۷۲.

۲. ابن سعد، الطبقات الكبرى، الطبقة الخامسة، ج ۱، ص ۳۰۲؛ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۶.

۳. مکی، قوت القلوب، ج ۲، ص ۴۱۲.

۴. سرخسی، المبسوط، ج ۶، ص ۴.

۵. طبرانی، اخبار الحسن بن علی، ص ۴۲.

۶. ابن سعد، همان، ص ۲۹۰؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۶.

۷. ابن سعد، همان، ص ۳۰۲ و ۳۳۵.

۱-۵. اخبار دال بر تعداد زنان امام حسن علیه السلام

اخبار درباره تعداد همسران حضرت، بسیار مختلف است؛ برای نمونه، ابن سعد (م ۲۳۰ق) و بلاذری (م ۲۷۹ق) به نقل از مدائنی (م ۲۲۵ق) و واقدی (م ۲۰۷ق)، تعداد همسران ایشان را ۹۰ تن^۱، کلینی (م ۳۲۹ق) ۵۰ تن^۲، مکی (م ۳۸۶ق) ۲۵۰ تا ۳۰۰ تن^۳، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق)^۴ همان سخن مکی را آورده است، طبری شیعه (قرن پنجم)^۵ ۷۰ زن آزاد و ۱۶۰ کنیز برشمرده است. قاضی نعمان (م ۳۶۳ق) از امام باقر علیه السلام و برادرش زید بن علی که با هم بودند، آورده است که پس آنان، پنجاهوشش همسر برای امام را اثبات کردند و آخر آنان را تکمیل نکردند.^۶ به احتمال، این به جهت خستگی بود که نتوانستند تکمیل کنند. این مؤلفان نتوانستند بیش از ده همسر از امام نام ببرند که گاه برخی از آنان، مبهم (با تعبیر «امراه») آمده است؛ به عنوان نمونه، ابن سعد با اختلاف ۸ تن و ۱۰ تن^۷، بلاذری ۱۳ تن، یعقوبی (م ۲۸۴ق) ۴ تن^۸ و شیخ مفید (م ۴۱۳ق) ۷ همسر^۹ شمرده‌اند.

۱. ابن سعد، همان، ص ۳۰۸؛ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۲۵.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۶.

۳. مکی، قوت القلوب، ج ۲، ص ۴۱۲.

۴. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۹۳.

۵. طبری، دلائل الامامة، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۶. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۲.

۷. ابن سعد، همان، ص ۲۷ و ۲۸.

۸. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۸.

۹. مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۲۰.

با توجه به وجود مجموعه حدیثی (تشکیل خانواده حدیث) و کثرت و تنوع اخبار، برخی از مورخان و محدثان شیعه و اهل سنت، اصل موضوع طلاق بودن امام حسن علیه السلام را پذیرفته‌اند؛ برای نمونه، فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق) با توجه به روایات در *الکافی*، طلاق بودن امام را پذیرفته و به تبع ابوحامد محمد غزالی (م ۵۰۵ق)، درباره سخن گفتن از این موضوع توقف کرده و می‌نویسد: «این توجه به کسانی است که درباره اهل و فرزند دوست خود طعنه می‌زنند که نوعی از حیاست. پس، موافق بودن با این مطالب، شایسته نیست. این موافقت، زشت است؛ بلکه ادب آن است تا آنجا که امکان دارد، مخالفت شود؛ زیرا موجب خوشحالی قلب او می‌شود و با باطن سازگارتر است. قصد از بیان این مطلب، مباح دانستن طلاق است.»^۱ برخی در *پاورقی بر مرآت العقول* به توجیه اخبار طلاق پرداخته و در خصوص نهی امیر مؤمنان علیه السلام می‌نویسند که غرض آن حضرت، آگاه کردن آنان از حالشان و مراتب ایمان آنان بوده است؛ نه آنکه قصد نکوهش فرزند معصومش را داشته باشد؛ فرزندی که از سوی خداوند حیّ قیوم مورد تأیید است.^۲ محدث بحرانی (م ۱۱۸۶ق) پس از ذکر اخبار طلاق، در توجیه این اخبار، آنها را حمل بر بداخلاقی زنان یا آنچه که موجب اولویت در طلاق می‌شود، دانسته است و در ادامه گوید که به طور کلی، موضوع، قابل اشکال است و الآن من جوابی برای آن ندارم و شایسته نگه داشتن قلم است که نشانه ادب می‌باشد.^۳

۲. آسیب‌شناسی خانواده خبر طلاق بودن امام حسن علیه السلام

آثار متعددی بر جعلی بودن اخبار طلاق نگاشته شده که به نقد سندی و دلالتی آن پرداخته‌اند؛^۴ اما هیچ‌یک به چرایی پذیرش آن از جانب برخی اندیشمندان دینی

۱. فیض کاشانی، *الوافی*، ج ۲۳، ص ۹۹۹.

۲. مجلسی، *مرآت العقول*، ج ۲۱، ص ۹۶.

۳. بحرانی، *الحدائق الناضرة*، ج ۲۵، ص ۱۴۹.

۴. رک: در پیشینه مقاله، به نام چند تن از پژوهشگران که در اثبات جعل اخبار طلاق بودن امام حسن علیه السلام تحقیق کرده‌اند، اشاره شده است.

نپرداخته‌اند. پس در این بخش، با بیان مقدماتی، به چرایی این پذیرش پرداخته می‌شود. جاعلان برای واقع‌نمایی احادیث ساختگی خود، به شیوه‌های گوناگونی دست می‌زدند که شناسایی این شیوه‌ها، کمک شایانی برای نیافتادن در دام آنان می‌کند. در ادامه، چهار شیوه جاعلان در اخبار مطلق مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱-۲. واقع‌نمایی از طریق بیان جزئیات

یکی از راه‌های واقع‌نمایی احادیث جعلی، بیان قرائن و اوصاف متعدد به تنوع‌بخشی گزارش‌های تاریخی است. جاعلان، با ساخت گزارش‌های متنوع پیرامون موضوعی واحد، با جلب توجه مخاطب به این حواشی، سعی در انحراف توجه وی از اصل موضوع داشتند. در اخبار مطلق، جاعلان در اخبار ساختگی خود، به شواهد و جزئیات تأکید داشته‌اند تا جعلی بودن اصل خبر در سایه این اوصاف، مشخص نگردد؛ چنان‌که اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام، گاهی به نقل از محبان آن حضرت و یا حتی برخی از معصومان علیهم السلام و گاهی از جانب مخالفان و دشمنانی چون منصور خلیفه عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸ق) و راویان درباری ذکر شده است.^۲ برخی این روایات منقول را در قالب فضیلت و صفتی نیکو^۳، و برخی در قالب فعلی قبیح و مذموم بیان کرده‌اند^۴ بعضی به انگیزه مادی، احساسی یا اعتقادی توجه داشته‌اند.^۵ برخی دیگر با داستان‌سرایی - مانند خوشحالی مرد همدانی و

۱. ابن سعد، الطبقات الكبرى، الطبقة الخامسة، ج ۱، ص ۳۰۲؛ بلاذری، انساب الأشراف، ج ۳، ص ۲۵.

۲. طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۳۳۴؛ ابن سعد، همان، ص ۳۰۳-۳۰۵.

۳. ثعالبی، اللطائف والظرائف، ص ۱۶۸؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۳۶ و ۳۷: «مناقب الحسن علیه السلام كثيرة... وكان جواد ممدوحا، تزوج سبعین امرأة و يطلقهن...»

۴. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۳؛ طبرانی، اخبار الحسن بن علی، ص ۴۲.

۵. بلاذری، همان، ص ۲۵؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۴، ص ۱۷۲؛ ابن سعد، همان ص ۳۰۲.

بیان شعری از علی علیه السلام یا ماجرای ازدواج حفصه و هند با همسران سابقشان از جمله امام حسن علیه السلام - به این موضوع پرداخته‌اند.^۱

۲-۲. واقع‌نمایی از طریق ارائه آمار

یکی از شیوه‌های مرسوم در اتقان یک خبر، ارائه آمار پیرامون آن رخداد است. راویان در گزارش غزوات عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله، به تعداد نفرات طرفین، ادوات، کشته‌ها، اسراء و غنایم توجه داشتند. در اخبار پیرامون صحابه و شخصیت‌ها، به تعداد فرزندان، همسران و نفرات عشیره آنان نظر داشته، آمارهای دقیقی ارائه کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، ابن سعد همسران امیر مؤمنان، علی علیه السلام و افزون بر آن، تعدادی از آنان را با عنوان «الأمهات [أولاد] شتی» آورده است.^۲ عمر تعداد ۹ همسر،^۳ عثمان تعداد ۸ همسر،^۴ طلحه ۸ زن^۵ و زبیر بیش از ۵ همسر داشت.^۶

جاعلان، با توجه به این شیوه در اخبار مطلق، به بیان تعداد همسران و فرزندان ایشان پرداخته‌اند؛ برای نمونه، از میان منابع اهل سنت، ابن سعد (م ۲۳۰ق) و بلاذری (م ۲۷۹ق) ۹۰ تن، مقدسی (م ۳۸۱ق) ۲۰۰ تن،^۷ مکی (م ۳۸۶ق) ۲۵۰ تا ۳۰۰، ابن ابی‌الحدید (م ۶۵۶ق) به نقل از مدائنی ۷۰ تن و ابن کثیر (م ۷۷۴ق) ۷۰ تن^۸ را به عنوان زنان ایشان

۱. ابن سعد، همان، ص ۳۰۷؛ بلاذری، همان، ج ۳، ص ۲۲ و ۲۳؛ مکی، قوت القلوب، ج ۲، ص ۴۱۲.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۹ و ۲۰.

۳. همان، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۴. همان، ص ۵۲ و ۵۳.

۵. همان، ص ۲۱۴.

۶. همان، ص ۱۰۰.

۷. مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۵، ص ۷۴-۷۵: «الحسن بن علی کان ارخی علی منه حره.»

۸. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۳۰۷؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۰ و ۲۱؛ مقدسی، البدء والتاریخ،

ج ۵، ص ۷۴ و ۷۵؛ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۳۱؛ ابن کثیر، البدایة والنهاية، ج ۸، ص ۵۴.

ذکر کرده‌اند. در منابع شیعه نیز کلینی (م ۳۲۹ق) ۵۰ تن،^۱ قاضی نعمان (م ۳۶۳ق) در روایتی ۵۶ همسر،^۲ طبری امامی (م قرن پنجم) ۷۰ زن آزاد و ۱۶۰ کنیز، ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) به نقل از مکی (م ۳۸۶ق) ۲۵۰ نفر و به نقلی ۳۰۰ همسر گفته‌اند.^۳ شامی (م ۶۶۴ق) و حلی علی بن یوسف (م ۷۰۵ق) ۷۰ زن و ۱۶۰ کنیز ذکر کرده است.^۴ محقق کتاب ضامن بن شدقم (د ۱۰۹۰ق)، تعداد همسران آن حضرت را میان ۲۰ - ۳۰ تن دانسته است.^۵ مجلسی (م ۱۱۱۱ق) در جای دیگر به نقل از کفعمی (م ۹۰۵ق)، تعداد زنان حضرت را ۶۴ نفر غیر از کنیزان آن حضرت ذکر کرده است.^۶ برخی مورخان با مشاهده آمار متعدد در منابع فریقین، اصل اخبار مطلق را مسلم انگاشته و همت خود را صرف آمار صحیح کردند.

۲-۳. واقع‌نمایی از طریق اجمال و سپس تفصیل آن

یکی از شیوه‌های جا‌اعلان در ساخت و اشاعه اخبار کذب، نقل اجمالی و تفصیلی اخبار است. آنان با توجه به بازخورد و واکنش جامعه، ابتدا اخبار کذب خود را به طور مختصر یا مجمل ساخته و نشر می‌دادند و سپس، با توجه به فضای جامعه، به تفصیل این اخبار می‌پرداختند؛ چنان‌که در روایات مطلق، اولین بار منصور عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸ق) در جمع خراسانیان و به صورت مختصر، به مطلق بودن امام حسن علیه السلام اشاره کرد^۷ و در

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶.

۲. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۲.

۳. طبری، دلائل الامامة، ص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۹۲.

۴. شامی، الدر النظیم، س ۵۱۶؛ حلی، العدد القویة، ص ۳۵۲ و ۳۵۳.

۵. ضامن بن شدقم، تحفة الأزهار، ج ۱، ص ۱۴۶، پاورقی.

۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴، ص ۱۳۴.

۷. طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۳۳۴: «... فاقبل النساء يتزوج فی کل یوم واحدة قیطلقها غدا...».

ادامه، جاعلان به آن پَر و بال دادند. همچنین، در برخی اخبار که نهی از تزویج دختران به امام شده، مجمل‌گویی شده است یا داستان هند و ام‌حبيب^۱ به‌جمال آمده است. گزارش‌های مفصلی درباره چگونگی همسرگزینی امام حسن علیه السلام نقل شده تا توجه خواننده به شاخ و برگ داستانی جلب شده و آن را واقعیت بشمارد.^۲ داستان هند متفاوت آمده؛^۳ اما خوارزمی موفق بن احمد (م ۵۶۸ق) آن را به تفصیل آورده و آن را برای امام حسین علیه السلام دانسته است.^۴ ابن ابی‌طیفور (م ۲۸۰ق)، داستان ام‌حبيب را طولانی ذکر کرده است.^۵

۲-۴. واقع‌نمایی از طریق تحریک احساس مخاطب

جاعلان اخبار با شناخت مخاطب خود، به ساخت احادیث می‌پردازند. آنان برای پذیرش این احادیث از سوی پیروان یک مکتب، با آوردن کلاماتی حماسی، احساسی یا منطقی و رعایت انصاف با تحریک حس مخاطب، او را به پذیرش این روایات سوق می‌دهند.

جاعلان نیز برای واقع‌نمایی روایات جعلی‌شان، از این مقوله بهره برده‌اند تا با تحریک احساسات پیروان اهل‌بیت، روایات خویش را برای ایشان باورپذیر کنند؛ به عنوان نمونه، حضرت علی علیه السلام خطاب به مردم کوفه فرمود: به حسن زن ندهید؛ [زیرا او] مطلق است. مرد همدانی برخاست و گفت: به او زن می‌دهیم؛ [اگر] راضی بود، نگه دارد و [اگر]

۱. ابن قتیبه، *الشعر والشعراء*، ج ۲، ص ۶.

۲. سبط بن جوزی، *تذکره الخواص*، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۳. ابن سعد، همان، ص ۳۰۳-۳۰۵؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۳، ص ۲۰-۲۱؛ سبط بن جوزی،

همان؛ ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی‌طالب*، ج ۳، ص ۱۹۹.

۴. خوارزمی، *مقتل الحسین*، ج ۱، ص ۲۱۸.

۵. ابن ابی‌طیفور، *بلاغات النساء*، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

خوشش نیامد، طلاق دهد.^۱ چند قرن بعد، این گزارش با تفصیل بیشتری مورد توجه قرار گرفت؛^۲ به عنوان نمونه، در ماجرای نهی امی مؤمنان از ازدواج‌های امام حسن علیه السلام و گفته‌های مرد همدانی در گزارش‌های بعد، اضافه شده که حضرت علی علیه السلام با خوشحالی شعری با این مضمون سرودند: «اگر دربان بهشت بودم، به [قبیله] همدان می‌گفتم وارد شوید.»^۳

بر اساس برخی گزارش‌ها، امام حسن علیه السلام از هیچ زنی جدا نشد؛ مگر اینکه آن زن، ایشان را دوست می‌داشت^۴ و ایشان برای جدایی از آنان، مال فراوانی می‌داد. در گزارشی، ایشان زنی از قبیله فزاری و بنی‌اسد را طلاق داد و برای هریک از آنان ده هزار درهم و یک مشک عسل داد. یکی از آنان برای ایشان دعا کرد و گفت: خدا به او خیر دهد. زن اسدی گفت: این مال، اندک است در مقابل محبوبی که از من جدا شده. سپس، حضرت وقتی از سخن او آگاه شد، به زن اسدی رجوع کرد.^۵ همین نقل با تفاوت و جزئیات دیگری نیز آمده است.^۶ بنا بر اخبار، هرگاه امام حسن علیه السلام می‌خواست زنی را طلاق دهد، ابتدا رضایت او را از نظر مالی جلب می‌کرد؛^۷ برای نمونه، ایشان برای یکی از زنان، صد جاریه که همراه هر کدام از آنان هزار درهم بود، روانه کرد.^۸

۱. «... قال علی یا اهل الکوفة لاتزوجوا الحسن بن علی فانه رجل مطلق. فقال رجل من همدان: والله لنزوجنه؛ فما رضی امسک و ما کره طلق» (ابن سعد، الطبقات الکبری، الطبقة الخامسة، ج ۱، ص ۳۰۲)
۲. «انشا یقول: ولو کنت بوابا علی باب الجنة * لقلت لهمدان ادخلی بسلام» (مکی، قوت القلوب، ج ۲، ص ۴۱۲)
۳. همان.
۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، الطبقة الخامسة، ج ۱، ص ۳۰۲ و ۳۳۵.
۵. همان، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.
۶. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۲۵؛ مکی، قوت القلوب، ج ۲، ص ۴۱۲.
۷. ابن سعد، همان، ص ۲۹۰؛ بلاذری، همان، ص ۲۷۳ و ۲۷۴.
۸. طبرانی، اخبار الحسن بن علی علیه السلام، ص ۴۰.

برخی جعلیات با مضمون رعایت انصاف و منطقی همراه بوده تا مخاطب این فعل را قبول کند و حق را به امام دهد؛ برای نمونه، حضرت زنی از قبیله بنی‌همام بن شیبان را خواستگاری کرد و بعد متوجه شد که او دیدگاه خوارجی داشته است. بنابراین، او را طلاق داد و فرمودند: خوش ندارم شعله‌ای از آتش جهنم را به سینه خود ملحق نمایم.^۱ یا در نقلی مشابه، پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام، همسر امام حسن علیه السلام با خوشحالی به ایشان خلافت را تبریک گفت. امام فرمود: با این سختی، دشمنی خود را آشکار کردی. سپس، با جمله «أنت طالق ثلاثاً»، وی را طلاق داد.^۲

۳. راهکار مواجهه با خانواده حدیث در اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام

برای دوری از آسیب‌های احتمالی تشکیل خانواده حدیثی در مطالعات تاریخی، علاوه بر بررسی سندی اخبار، اصولی وجود دارد که توجه به آنان می‌تواند از افتادن در دام جعلیات راهگشا باشد. در خصوص بررسی اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام و به مقتضای بحث، سه شیوه ارائه می‌گردد:

۳-۱. بررسی سیر تطور اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام

اولین مرحله برای شناسایی اصالت و صحت حدیث، بررسی سیر شکل‌گیری یک خبر در متون اصلی و منابع اولیه است. این شیوه، یکی از مهم‌ترین اصول در فرآیند شناخت خبر جعلی از صحیح می‌باشد. بررسی سیر تطور اخبار مطلق، نشان می‌دهد که این حدیث، نخستین بار از سوی منصور خلیفه عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸ق) بیان شده است. او که بنی‌الحسن را رقیب سیاسی خود می‌دانست، سعی در ترور شخصیتی امام حسن علیه السلام به عنوان سید و آقای بنی‌الحسن داشت تا رقیبان خود را تحقیر نماید و در عرصه سیاسی

۱. ابن سعد، همان، ص ۳۰۲.

۲. طبرانی، اخبار الحسن بن علی، ص ۱۵۴.

منزوی کند. در واقع، بررسی منشأ صدور روایات مطلق مشخص می‌کند که نخستین جعلیات، نه در زمان امام حسن علیه السلام، بلکه ده‌ها سال بعد شکل گرفته است.^۱

هرچند برخی این گونه اخبار را مربوط به زمان معاویه و ساخته و پرداخته وی و امویان دانستند،^۲ اما بررسی سیر اخبار و گزارش‌های آن دوره، چنین چیزی را اثبات نمی‌کند. شاهد آنکه اگر چنین بود، قطعاً معاویه در سخنرانی‌ها یا نامه‌نگاری‌های خود با امیر مؤمنان علیه السلام یا امام حسن علیه السلام، به این مطلب متعرض و به تقیب و تحقیر امام می‌پرداخت.

۳-۲. توجه به اخبار متعارض با اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام

یکر از راه‌های شناخت در صحت یا سقم اخبار جعلی، به خصوص اخبار مطلق بودن درباره امام حسن علیه السلام، توجه به اخبار متعارض در این موضوع است. از جمله آن اخبار متعارض، این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم طلاق را مبعوض‌ترین عمل دانسته است^۳ که عرش الهی را به لرزه در می‌آورد^۴ یا خداوند دشمن می‌دارد یا لعنت می‌کند مردی را که زنان بسیار می‌چشد و زنی را که مردان بسیار می‌چشد.^۵ این اخبار با اخباری که بر مطلق بودن امام حسن علیه السلام دلالت دارند، ناسازگار است؛ زیرا امامی که برای جامعه الگوست، آیا

۱. طبری، تاریخ الطبری، ج ۶، ص ۳۳۴؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۰۰.

۲. احمدی میانجی، مکاتیب الأئمة، ج ۷، ص ۴۵-۴۶؛ منتظر القائم اصغر و شبنم السادات هاشمی فشارکی، «نقد و بررسی اخبار مربوط به مطلق بودن امام حسن مجتبی علیه السلام»، مجله علمی - تخصصی تاریخ نو، سال هشتم، ش ۲۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۸: «مَا مِنْ شَيْءٍ أْبْغَضَ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُخْرَبُ فِيهِ الْإِسْلَامُ بِالْفُرْقَةِ، يَعْنِي الطَّلَاقَ.»

۴. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۹۷: «تَزَوَّجُوا وَلَا تُطَلِّقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَرُ مِنْهُ الْعَرْشُ.»

۵. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۴: «... إِنْ لَمْ يَلْعَنِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِيَعُضٍ أَوْ يَلْعَنُ كُلَّ ذَوَاقٍ مِنَ الرِّجَالِ وَكُلَّ ذَوَاقَةٍ

می‌توان این گونه کارها را به ایشان نسبت داد؛ اموری که در تضاد با شأن و جایگاه امام و امامت است؟ به‌خصوص که این کارها، در تعارض با سیره معصومان علیهم‌السلام باشد. قرآن برای پیشگیری از طلاق دادن، راهکارهایی را ارائه داده است^۱ و در صورت عدم سازگاری زوجین، جدایی آنان از همدیگر را بدون اشکال دانسته است. دیگر آنکه انتساب این کار به امام حسن علیه‌السلام، آن هم بدون دلیل از سوی دشمنان آن حضرت، با عصمت ایشان در تعارض است؛ همچنان که یکی از ناصبیان در مقاله‌ای با عنوان «الزام القوی علی بطلان عصمة الإمام الحسن» نوشته است که برای از بین بردن عصمت دوازده امام علیهم‌السلام، کافی است که عصمت یکی از آنان را ابطال نماییم تا به دنبال آن، عصمت افراد دیگر از بین برود؛ زیرا معصوم نزد رافضیان، کسی است که از هرگونه پلیدی و زشتی پاک باشد و این عمل (مطلاق)، چگونه زشت و قبیح نباشد؛ درحالی‌که علی علیه‌السلام به سبب این صفت (مطلاق)، مردم را از تزویج دخترانشان با حسن علیه‌السلام نهی کرده است. نویسندگانی به حرف‌های باطل این ناصبی پاسخ داده است.^۲

یا در برخی از اخبارِ مطلق بودن امام حسن علیه‌السلام آمده است که این فعل امام، سبب ایجاد تنفر و کینه میان قبایل شده است.^۳ آیا انتساب این سخن به حضرت علی علیه‌السلام درباره فرزندش جای تردید ندارد که دشمنان خواسته‌اند تا چنین القای کنند که حتی پسر از چنین پدری حرف‌شنوی ندارد؟ و به‌ناچار پدر این سخن را فرموده است. این خبر

۱. نساء (۳)، آیه ۳۵: «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعُوا حُكْمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكْمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا

إِصْلَاحًا يُوقِقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا.»

۲. بلداوی، القول الحسن فی عدد زوجات الحسن علیه‌السلام، ص ۸-۹.

۳. ابن سعد، همان، ص ۳۰۲: «قال علی: ما زال الحسن یتزوج و یطلق حتی خشیتُ أن یورثنا

عداوة فی القبائل.»

ساختگی و مانند آن، نشان‌دهنده آن است که امام حسن علیه السلام با روش پدر مخالف بوده است؛ درحالی که سیره و منش امام، همواره و همیشه تبعیت از پدر بوده است. آیا نباید به خبری که امام را بد اخلاق، طلاق‌دهنده و اسرافگر دانسته، شک کرد و آن را نفی نمود.^۱ نمونه دیگر، خبری مفصل است که بیانگر داستان ازدواج هند با افراد مختلف است. در این خبر، معاویه ابوهیریه را برای خواستگاری از هند برای پسرش یزید می‌فرستد. ابوهیریه پس از برخورد با امام، علت حضورش را در مدینه بیان کرده و امام نیز از او می‌خواهد که از او هم نزد هند به عنوان خواستگار یاد شود. ابوهیریه نزد هند آمد و پیشنهادها، از جمله پیشنهاد ازدواج با حسن را طرح کرد و هند نیز ازدواج با حسن را پذیرفت و با امام ازدواج کرد؛ اما زمانی که ابن عامر (شوهر قبلی هند)، به مدینه آمد و خواستار پس‌گیری امانت خود از همسر سابقش (هند) شد، بار دیگر، به همدیگر علاقه‌مند شدند. امام حسن علیه السلام وقتی علاقه مجدد آن دو (هند و ابن عامر) را متوجه شد، فرمود: من میان شما بهترین محلل هستم.^۲

باید گفت که آیا ابوهیریه جرأت مخالفت با امر معاویه را داشت؟ آیا نسبت دادن محلل به امام، یک اتهام نیست؟ آیا محلل بودن امام در اینجا صادق است؟ یا در خبر دیگر، همین داستان را آورده و به سخن امام اشاره دارد که من نمی‌توانم به دلیل گفتن «أنت طالق ثلاثاً»، به او رجوع کنم.^۳ یا صفاتی که هند برای هریک از شوهرانش بیان کرده، درست است! آیا ابن عامر از دشمنان امیر مؤمنان، علی علیه السلام نبود که در نبرد جمل و صفین

۱. همان، ص ۲۹۰؛ بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۳، ص ۱۶.

۲. ابن سعد، همان، ص ۳۰۳-۳۰۵؛ بلاذری، همان، ص ۲۱ و ۲۲. گفتنی است که شوهر اول هند، عبدالرحمن بن عتاب بود که او را طلاق داد. شوهر دوم هند، عبدالله بن عامر بود که او نیز هند را طلاق داده بود.

۳. طبرانی، *اخبار الحسن بن علی*، ص ۱۵۴.

مقابل آن حضرت حضور داشت؟ این خبر (سه طلاقه در یک مجلس، رساندن این مطلب که امام به این موضوع آگاه نبوده است) با قرآن، روایات دیگر و فقه اهل بیت^۱ در تعارض است.

یا در گزارش دیگر است که ابن عامر به طمع رسیدن به ولایت بصره و ازدواج با رمله - که از سوی معاویه به او وعده داده بود که اگر زن نداشتی، رمله را به نکاح تو در می‌آوردم - هند را طلاق داد و معاویه به ابوهیریه گفت: هر چه می‌خواهد، صدق او قرار دهد.^۲ در گزارش دیگر، ازدواج هند با امام حسین علیه السلام را ذکر کرده است.^۳ این روش، یعنی تشکیل خانواده حدیث در مطالعات تاریخی، می‌تواند راهکار مناسبی برای شناخت جعل این نوع از اخبار متعدد باشد که بتوان این گونه اخبار را نفی کرد.

برخی اخبار مطلق بودن امام، بیانگر نهی امیر مؤمنان علیه السلام به عنوان خلیفه و امام مسلمانان از تزویج دختران با امام حسن علیه السلام است؛ در حالی که به گواه تاریخ و بنا بر ادله حدیثی و کلامی، امکان ندارد امام حسن علیه السلام عملی خلاف نظر امیر مؤمنان علیه السلام انجام دهد که منجر به صدور نهی از ایشان گردد. در گزارشی از منابع اهل سنت است که امیر مؤمنان علیه السلام در وصیت‌نامه خود، امام حسن علیه السلام را از زیاده‌روی در خوردن و ازدواج، پاک دانست.^۴ در حقیقت، ایشان این تهمت‌ها را به جانشین خود در آینده پیش‌بینی می‌کرد و از این‌رو، سعی در دفع این تهمت‌ها داشت.

۱. محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۳، ص ۱۷؛ امام خمینی، توضیح المسائل (مَحْشَى)، ج ۲، ص ۵۲۹ و ۵۳۰؛ همو، تحریر الوسیله، ج ۳، ص ۵۹۱.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۹۹.

۳. خوارزمی، مقتل الحسین، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۴. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۵۰۲ و ۵۰۴؛ ابن شیه، تاریخ المدینة المنورة، ج ۱،

۳-۳. توجه به شواهد و قراین

با مطالعه دقیق اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام، شواهد و قراین تاریخی، عرفی، مقامی و عقلی، می‌توان تأییدی بر ساختگی بودن این نوع از اخبار را به دست آورد:

الف. قراین تاریخی

اگرچه منابع، آمارهای مختلفی درباره همسران امام حسن علیه السلام ذکر کردند،^۱ اما بررسی تاریخی این موضوع، کذب این آمارسازی‌ها را روشن می‌کند و قراین تاریخی، بهترین گواه بر جعل این اخبار است؛ به عنوان نمونه، این آمارها - که در این مقاله به آنها اشاره شده - با واقعیات تاریخی ناسازگار است و همخوانی ندارد، حتی مؤلفان یا راویان نتوانستند حداقل کمتر از یک سوم نام همسران عقدی امام را ذکر نمایند. دیگر آنکه ایشان شخصیتی ناشناخته نبوده و در منظر و مراعی مردم بوده است. در صورت صحت این اخبار و آمارها، به طور قطع، معاویه و خوارج برای مقابله بهتر با امام علی علیه السلام از آن بهره می‌بردند و به آن اشاره می‌کردند. عدم اشاره آنان به این موضوع، خود می‌تواند بر جعلی بودن این اخبار درباره امام حسن علیه السلام صادق باشد.

نمونه دیگر، انتساب این سخن به امام باقر علیه السلام است که ایشان به همراه برادرش زید، مشغول شمردن همسران امام حسن علیه السلام بودند که از خستگی، شمارش را رها کردند.^۲ این سخن نیز با واقعیت تاریخی ناسازگار است. آیا شمردن همسران از سوی امام، باقر علیه السلام مشکلی از جامعه را حل می‌کند؟ چگونه می‌توان پذیرفت امامی که مسئولیت هدایت مردم را بر عهده دارد، وقت خود را صرف شمردن همسران امام حسن علیه السلام کرده و کار بیهوده‌ای انجام داده است؟

۱. ابن سعد، الطبقات الكبرى، الطبقة الخامسة، ج ۱، ص ۳۰۸؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳،

ص ۲۵؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۵، ص ۷۴-۷۵.

۲. قاضی نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۲.

نمونه دیگر، خبری است که امام علی علیه السلام در مقام مشورت می‌فرماید: به حسن دخترت را نده، به حسین بده؛ برای دخترت بهتر است.^۱ در خبری دیگر آمده که حسین، خانواده دارد؛ به عبدالله بن جعفر بدهید، بهتر است.^۲ میان این دو خبر، تعارض آشکار دیده می‌شود. بنابراین، تعدد آمارها و عدم ذکر نام همسران و نیز تعارض میان این گونه خبرها، بهترین قرینه تاریخی بر جعل این اخبار است که با روش تشکیل خانواده حدیثی در مطالعات تاریخی، می‌توان آن اخبار را نفی کرد و بر ساختگی بودن آنها تأکید نمود.

ب. قراین حالی و مقامی

جعل اخبار از لسان امامان معصوم علیهم السلام و ذکر آنها در منابع معتبر، بدون آنکه صحت و سقم آنها بررسی شود، مورد پذیرش برخی از بزرگان قرار گرفته و در کتاب‌هایشان آن را ذکر کرده‌اند؛ به عنوان نمونه، ذکر خبر مطلق بودن امام حسن علیه السلام در کلام امیر مؤمنان علیه السلام، آن هم در حضور مردم کوفه، از لسان امامان معصوم علیهم السلام قابل توجیه نیست؛ زیرا هرگز شرایط زمانی و مکانی به امام حسن علیه السلام اجازه نمی‌داده که ازدواج‌ها و طلاق‌های بسیاری داشته باشد. دیگر آنکه قابل پذیرش نیست امام علی علیه السلام درگیر مبارزه با قاسطین، مارقین و خوارج و مشکلات جامعه اسلامی باشد که از گذشتگان به ایشان به ارث رسیده است؛ اما فرزندش، حسن علیه السلام، به دنبال چیز دیگری باشد. آیا واقعاً پذیرفتنی است که امام بدون شرایط امر به معروف و نهی از منکر فرزندش را در ملأ عام مورد سرزنش قرار دهد؟ آیا می‌توان به غیر از چنین نمونه‌هایی که درباره امام حسن علیه السلام در این موضوع ساخته شده است، پیدا کرد؟ چرا این گونه اخبار، فقط برای شخص امام حسن علیه السلام ساخته شده است؛ نه دیگران از این خاندان؟ قراین حالی و مقامی می‌تواند تأکیدی بر نفی این

۱. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۰.

۲. ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۷، ص ۲۶۱-۲۶۲.

اخبار باشد؛ زیرا این گونه اخبار متعدد در این موضوع، ده‌ها سال پس از شهادت امام حسن علیه السلام ساخته شده و قابل اثبات در حق این امام نیست.

ج. فراین عرفی

بنا بر اخبار تاریخی در داستان خواستگاری هاشم، جد رسول الله، آمده است که سلمی از مطلق بودن هاشم نگران بود؛ اما پدر سلمی نسبت دادن مطلق به هاشم را نادرست خواند.^۱ ذکر این داستان، می‌تواند قرینه عرفی باشد که مطلق بودن برای خاندان هاشم زشت بوده است. افزون بر این، با توجه به ذکر دلایل ساختگی اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام که پیش‌تر اشاره شد، تبیین گردید که این گونه اخبار، مانند نهی امیر مؤمنان علیه السلام از تزویج دختران با امام حسن علیه السلام و یا برانگیختن کینه میان قبایل به سبب طلاق دادن دختران آنان، با جایگاه و شخصیت امام سازگار نیست و این اخبار، امری خلاف عرف در جامعه اسلامی است؛ آن هم برای کسی که الگوی جامعه به شمار می‌رود؛ چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله شخص مطلق هوسران را مورد لعن و نفرین قرار داده است.^۲ چگونه عرف جامعه می‌پسندد که امام تعداد بی‌شماری همسر داشته باشد، بی‌آنکه منابع ذکری از نام آنان کنند. از این رو، ممکن نیست امام و خلیفه مسلمانان، خلاف عرف جامعه اسلامی عصر خویش عمل کند. همچنین، لازمه عرفی ازدواج زیاد و داشتن همسرهای متعدد که از ۹۰ همسر تا ۳۰۰ همسر ذکر شده، وجود ذکر نام این همسران در منابع است. همسر امام بودن، افتخار برای زنان و قبیله آنان بود؛ اما چرا نام آنان حتی نزد قبیله‌شان ذکر نشده است؟ فقط راویان به ذکر نام اندکی از زنان امام پرداخته‌اند؛ بدون آنکه زنان عقدی را جدا از کنیزان بشمارند. عرف جامعه اسلامی برای شخصیتی چون امام، این نوع عمل را نمی‌پسندد. دیگر آنکه ممکن است برای برخی افراد این گونه ازدواج‌ها و طلاق‌ها

۱. بکری، الأنوار، ص ۲۹-۳۱.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۴.

اشکال نداشته باشد و حتی فضیلت به شمار بیاید، ولی برای این خاندان، این کار، فضیلتی نبوده است؟ چنان که در داستان ازدواج هاشم و سلمی به این موضوع اشاره شد.

۵. قراین عقلی

وجود قراین عقلی، بر ساختگی بودن اخبار مطلق بودن امام حسن علیه السلام دلالت دارد. در شرع مقدس، طلاق، مبعوض‌ترین اعمال دانسته شده است. از منظر حُسن و قُبْح عقلی، افعال یا دارای حُسن و قبیح ذاتی هستند یا دارای حُسن و قبیح اقتضایی یا هیچ‌کدام و به عبارتی، لااقتضاء هستند. افعالی چون عدل و ظلم، به ترتیب دارای حُسن و قبیح ذاتی هستند و همیشه حُسن و قبیح بودن آنها، ثابت است. برخی افعال مانند صدق و کذب، دارای مقتضای حُسن و قبیح هستند؛ یعنی در بدو امر، حُسن یا قبیح هستند؛ اما با شرایطی خاص، حکمشان تغییر می‌کند؛ مثلاً دروغ گفتن برای نجات جان مؤمن، حُسن می‌گردد. با این توضیح، می‌توان گفت که قرینه عقلی بر آن است که امام حسن علیه السلام تبعیت از ولیّ امر خود، یعنی امام علی علیه السلام کرده است و هرگز مخالف امر پدر عمل نکرده است. دیگر آنکه قرینه عقلی، نشانگر آن است که امام معصوم علیه السلام عملی را که موجب نفرت و کینه در جامعه شمرده می‌شود، آن هم به دفعات متعدد، هرگز آن را انجام نخواهد داد؛ زیرا وی الگوی جامعه است و مردم چنین عملی را از او انتظار ندارند. دیگر آنکه چرا این موارد بسیار، فقط برای امام حسن علیه السلام اتفاق افتاده است؟ با توجه به قراین و شواهد موجود، می‌توان از این روش برای نفی این اخبار بهره بُرد.

نتیجه

جعلی بودن اخبار مطلق، چیزی نیست که در عصر حاضر مورد تردید باشد و مؤلفان معاصر در نقد و ردّ اخبار مطلق، آثاری نگاشته‌اند. با قبول این پیش‌فرض، به چرایی پذیرش اخبار مطلق در منابع حدیثی و تاریخی و غیرآن پرداخته شد. نتیجه آنکه تشکیل خانواده حدیث، یکی از فرآیندهای مهم برای فهم حدیث بوده که دانشمندان علوم حدیثی به آن توجه ویژه دارند. استفاده درست این شیوه، برای اثبات یا عدم اثبات وقوع اصل یک

موضوع کاربرد دارد. این شیوه، به مطالعات تاریخی و سیره‌نگاری راه یافته است که با آسیب‌هایی همراه می‌باشد و توجه به آنها ضروری است. برخی از مورخان و سیره‌نگاران اهل بیت علیهم‌السلام، با تشکیل خانواده حدیث درباره اخبار مطلق، اصل آن را مسلم پنداشته و به توجیه آن پرداخته یا در آن توقف کرده‌اند؛ چراکه تعدد و تنوع اخبار مطلق به همراه آمارسازی، اجمال و تفصیل پیرامون خبر، بیان جزئیات و تحریک احساسات همراه بوده و موجب واقع‌نمایی آن گردیده است. مورخ برای جلوگیری از این آسیب، می‌تواند در تشکیل خانواده خبر، به بررسی سیر تطور اخبار، اخبار متعارض و همچنین قراین تاریخی، حالی و مقامی، عرفی و عقلی توجه کافی داشته باشد. با توجه به راهکارهایی که گذشت، روشن شد که خبر ازدواج‌ها و طلاق‌های بسیار، از سوی منصور دوانقی خلیفه عباسی بیان شده و در زمان امیر مؤمنان، علی علیه‌السلام و امام حسن علیه‌السلام نبوده است. با گسترش و نشر آن از سوی روایان، این اخبار وارد منابع تاریخی، حدیثی و غیرآن از سوی فریقین شد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آل عصفور، حسین، ۱۴۲۱ق/۱۳۷۹ش، *سداد العباد و رشاد العباد*، تحقیق: شیخ محسن آل عصفور، قم، حوزه علمیه قم، محلاتی.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۹۶۲م، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، بی جا، دار إحياء الكتب العربية، عیسی البابی الحلبی و شرکاه، توضیحات: قم، مؤسسه مطبوعاتی إسماعیلیان.
۴. ابن ابی شیبہ، عبدالله، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م، *المصنف*، تحقیق و تعلیق: سعید اللحام، بیروت، دار الفکر.
۵. ابن ابی طیفور، احمد، بی تا، *بلاغات النساء*، قم، مکتبه بصیرتی.
۶. ابن سعد، محمد، ۱۴۱۸ق، *الطبقات الكبرى*، بیروت، دار الكتب العلمية.
۷. ابن شیه، ابوزید عمر، ۱۴۱۰ق، *تاریخ المدینة المنورة*، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، قم، دار الفکر، القدس.
۸. ابن شهر آشوب، محمد، ۱۳۷۶ق، *مناقب آل ابی طالب*، تحقیق: لجنة من اساتذة النجف الاشراف، نجف، مطبعة الحيدرية.
۹. ابن عساکر، علی، ۱۴۱۵ق، *تاریخ مدينة دمشق*، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار الفکر.
۱۰. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۳م، *الشعر والشعراء*، محقق / مصحح: أحمد محمد شاکر، قاهره، دار الحديث.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م، *البدایة والنهاية*، تدقیق و تعلیق: علی شیری، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
۱۲. احمدی میانجی، علی، ۱۴۲۶ق، *مکاتیب الأئمة علیهم السلام*، قم، دار الحديث.
۱۳. امام خمینی، سید روح الله، ۱۴۰۹ق، *تحریر الوسيلة*، ترجمه: علی اسلامی، چاپ بیست و یکم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. —، ۱۴۲۴ق، *توضیح المسائل (مُحَسَّن)*، تحقیق: سید محمد حسین بنی هاشمی خمینی، چاپ هشتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

١٥. بحرانی، يوسف، ١٤٠٩ق، *الحدائق الناضرة*، الطبعة الأولى، قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين.
١٦. برقي، احمد، ١٣٧١ق، *المحاسن*، محقق و مصحح: جلال الدين محدث، چاپ دوم، قم، دار الكتب الاسلاميه.
١٧. بكری، احمد بن عبدالله، *الأنوار ومفتاح السرور والأفكار في مولد النبي المختار*، قم، رضی.
١٨. بلاذری، جابر بن يزيد، ١٣٩٧ق، *انساب الاشراف*، تحقيق: محمدباقر محمودی، بيروت، دار التعارف.
١٩. ثعالبی، عبدالملك، بی تا، *الطائف والظرائف*، بيروت، دار المناهل.
٢٠. بلدای، وسام برهان، ١٤٢٩ق/٢٠٠٨م، *القول الحسن في عدد زوجات الحسن عليه السلام*، كربلاء، قسم الشؤون الفكرية والثقافية في العتبة المقدسة.
٢١. حر عاملی، محمد بن حسن، ١٤١٤ق، *وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة*، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، چاپخانه مهر.
٢٢. حلّی، علی بن يوسف، ١٤٠٨ق، *العدد القوية لدفع المخاوف اليومية*، تحقيق: السيد مهدي الرجائي، إشراف: السيد محمود المرعشي، الطبعة الأولى، قم، مكتبة آيت الله المرعشي النجفي العامة.
٢٣. خوارزمی، ١٤١٢ق، *مقتل الحسين*، تحقيق: شيخ مالك محمودی، قم، انوار الهدی.
٢٤. دهخدا، لغت نامه، پایگاه اینترنتی واژه یاب.
٢٥. ذهبی، شمس الدين محمد، ١٤٠٧ق، *تاريخ الإسلام*، تحقيق: د. عمر عبدالسلام تدمري، الطبعة الأولى، بيروت، دار الكتاب العربي.
٢٦. دياربكري، حسين، بی تا، *تاريخ الخميس*، بيروت، دار الصادر.
٢٧. سبط بن جوزی، يوسف، ١٤١٨ق، *تذكرة الخواص*، قم، منشورات الشريف الرضي.
٢٨. سرخسی، بی تا، *المبسوط*، بيروت، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع.
٢٩. شامی، يوسف، ١٤٢٠ق، *الدّر النظیم في مناقب الائمة اللهمم*، قم، جامعه مدرسین.

۳۰. ضامن بن شديق، بى تا، تحفة الازهار وزلال الانهار فى نسب ابناء الائمة الاطهار عليه السلام، تهران، دفتر نشر ميراث مكتوب.
۳۱. طبرانى، سليمان، ۱۴۱۲ق، اخبار الحسن بن على عليه السلام، كويت، دار الأوراد.
۳۲. طبرسى، حسن بن فضل (م قرن ششم)، ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م، مكارم الأخلاق، الطبعة السادسة، قم، منشورات الشريف الرضى.
۳۳. طبرى شيعى، محمد بن جرير بن رستم، ۱۴۱۳ق، دلائل الامامة، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية، قم، مؤسسة البعثة.
۳۴. طبرى، محمد بن جرير، بى تا، تاريخ الطبرى، تحقيق، مراجعة و تصحيح و ضبط: نخبة من العلماء، بيروت، مؤسسة الأعلمی.
۳۵. طوسى، ابو جعفر محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، اختيار معرفة الرجال (رجال كشى)، تحقيق، تصحيح و تعليق: مير داماد الأسترابادى / تحقيق: السيد مهدي الرجائى، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، بعثت.
۳۶. زالى، ابو حامد محمد، بى تا، احياء علوم الدين، محقق / مصحح: عبدالرحيم بن حسين حافظ عراقى، بيروت، دار الكتاب العربى.
۳۷. فيض كاشانى، ملامحسن، ۱۴۰۶ق/۱۳۶۵ش، الوافى، تحقيق: عنى بالتحقيق والتصحيح والتعليق عليه والمقابلة مع الأصل: ضياء الدين الحسينى الأصفهانى، الطبعة الأولى، اصفهان، مكتبة الامام أميرالمؤمنين على عليه السلام العامة.
۳۸. قاضى نعمان، نعمان بن محمد، ۱۳۷۹ق، دعائم الإسلام، تحقيق: آصف بن على أصغر فيضى، الطبعة الثانية، مصر، دار المعارف.
۳۹. كلينى، محمد بن يعقوب، ۱۴۰۷ق، الكافى، محقق و مصحح: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران، دار الكتب الاسلامية.
۴۰. مجلسى، محمدباقر، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م، بحار الأنوار، تحقيق: محمدالباقر البهبودى، الطبعة الثانية، بيروت، مؤسسة الوفاء.

۴۱. —، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۴۲. محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ق، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، تحقیق و تصحیح: عبدالحسین محمدعلی بقال، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان.
۴۳. محمدجعفری، رسول و علی نقی لژگی، ۱۳۹۵ش، «واکاوی و بازپژوهی نقادانه روایات جعلی مطلقیت امام حسن علیه السلام» دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی، مجله علمی - پژوهشی حدیث پژوهی، سال هشتم، ش ۱۵.
۴۴. مرادی نسب، حسین، ۱۳۹۶ش، «تطورشناسی حدیث مطلق [بودن] امام حسن مجتبی علیه السلام در منابع شیعه»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی، دوره ۱۵، ش ۵۹، پاییز.
۴۵. —، ۱۴۰۰ش، *تطورشناسی اخبار مطلق بودن امام حسن مجتبی علیه السلام در منابع اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۶. مرتضوی، سید محمد، ۱۳۸۶ش، «نقد و بررسی روایات مربوط به مطلق بودن امام حسن علیه السلام»، مجله الهیات و معارف اسلامی *مطالعات اسلامی* (ویژه‌نامه علوم قرآن و حدیث)، ش ۷۶، تابستان.
۴۷. مسعودی، عبدالهادی، ۱۳۸۹ش، *درسنامه فهم حدیث*، قم، انتشارات دار الحدیث.
۴۸. —، ۱۳۸۴ش، *روشن فهم حدیث*، تهران، انتشارات سمت.
۴۹. مسعودی، علی بن الحسین، ۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش، *مروج الذهب ومعادن الجوهر*، الطبعة الثانية، قم، منشورات دار الهجرة.
۵۰. مفید، محمد، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۵۱. مقدسی، مطهر بن طاهر، بی تا، *البدء والتاریخ*، بی جا، بور سعید، مکتبة الثقافة الدینیة.
۵۲. مکی، ابوطالب، ۱۴۱۷ق، *قوت القلوب*، محقق و مصحح: باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۵۳. منتظرالقائم، اصغر و شبنم السادات هاشمی فشارکی، ۱۳۹۷ش، «نقد و بررسی اخبار مربوط به مطلق بودن امام حسن مجتبی علیه السلام»، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، مجله علمی - تخصصی تاریخ نو، ش ۲۱، سال هشتم.

۵۴. منقری، نصر بن مزاحم، ۱۴۰۳ق، وقعة صفین، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، الطبعة الثانية، قاهره، المؤسسة العربية الحديثة، چاپخانه المدنی.

۵۵. یعقوبی، ابن واضح، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.



